



برساخت ذهنیت در گفتمان خانوادگی بازنمایی شده در فیلم:

هویت آلیوشا به عنوان مورد مطالعاتی در فیلم بی‌عشق ساخته‌ی آندره‌ی زویاگینتسف

سید ساجد حسینی^{۱*}

عرفان رجبی^۲

چکیده

مقاله‌ی حاضر به مطالعه‌ی شکل‌گیری هویت یک نوجوان در خانواده از منظر نظریه‌های ذهنیت می‌پردازد. به طور کلی روال شکل‌گیری هویت همواره یکی از مهم‌ترین رویکردهای انتقادی در علوم انسانی و به ویژه در رویکردهای روان‌کاوانه و مارکسیستی است. مورد مطالعاتی در پژوهش پیش‌رو تحلیل برساخت ذهنیت آلیوشا، شخصیت فیلم بی‌عشق (۲۰۱۷) ساخته‌ی آندره‌ی زویاگینتسف است. از آنجایی که نظریه‌ی مشخصی برای تحلیل محتوایی فیلم در دست نیست، منتقدین در بررسی محتوای فیلم از رویکردهای ادبی، اجتماعی و روان‌کاوانه بهره می‌برند. بنابراین چارچوب مفهومی مطالعه‌ی حاضر بر رویکردهای انتقادی روان‌کاوانه‌ی ساختارگرا و مارکسیسم ساختارگرا متمرکز است؛ به خصوص تعاریف امر ناخودآگاه، امیال سرکوب شده و نام پدر از لاکان، ایدئولوژی، ISA و RSA از آلتوسر و فقدان زبان از ژیزک. این پژوهش در روند شکل‌گیری هویت می‌تواند نقش مهمی در بازنمایی انگیزه‌های پنهان عمل خودکشی شخصیت را ایفا کند. به کارگیری مفاهیم مذکور نمایانگر نقش مرکزی و اجتناب‌ناپذیر گفتمان خانواده در بروز ذهنیت در این گفتمان است. این رویکرد نشانگر شیوه‌ای است که آلیوشا به عنوان سوژه امیال سرکوب شده‌ی والدین و فقدان زبان توسط ایدئولوژی را به ارث می‌برد. همچنین این رویکرد به درک نحوه‌ی انقیاد سوژه در جامعه‌ی مدرن خواهد انجامید.

واژگان کلیدی: امر ناخودآگاه، زبان، خانواده، ذهنیت، ایدئولوژی، دیگری بزرگ

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان (نویسنده مسؤول)

^۲ استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کردستان